

از چادر تان چراغ هدایت بر ساخته ایم

رها پیاپی

«مرد» ها برای عزای پسر شما گریه می‌کنند و «نامرد» ها آن را شور بدون شعور می‌خوانند؛ به حق آن‌ها که اگر در مجلس پسر تان اشکشان نیاید، تباهی می‌کنند؛ به حق مداحها و روضه‌خوانان؛ به حق صدای گرفته و گلودردشان؛ به حق پسرکان هیأتی که در سوز زمستان حقیقت و گرمای تابستانی بازار دنیا، یا علی می‌گویند و جلوی دسته کتل بلند می‌کنند؛ به حق پسرهای فشنی که سالی به دوازده ماه دست به سیاه و سفید نمی‌زنند ولی برای برپایی پرچم عزای خاندان شما، ظرف می‌شویند و کفش جفت می‌کنند؛ به حق سفره‌های ابالفصل (ع)؛

ای مادر سادات و صاحب مجالس روضه! به حق روضه‌ها و هیأت‌های خانگی ایام فاطمیه، همان‌ها که جماعت از درشان فوران می‌کند و اگر زرنگ باشی فقط می‌توانی دو زانو بنشین؛ به حق هیئتی‌هایی که به مولایشان علی (ع) اقتدا کرده و سعی می‌کنند دریای غم غربت شما را در دل بگنجانند و از سر مگوی شما، تنها ببارند؛

به حق همه‌ی بچه هیأتی‌ها... مخصوصاً آن‌ها که بلند بلند گریه می‌کنند؛ به حق میاندارهای غیرتی که نمی‌گذارند شل سینه بزنی؛ به حق نعره‌هایی که حرارت داغ شما آن‌ها را از عمق جان شعله‌ور کرده؛ و به حق آن‌ها که موقع روضه، مثل شمع می‌شوند... می‌سوزند و ذره ذره و بی‌صدا در غم انسانیت، آب می‌شوند و فقط موقع رفتن از چشمان سرخ و درخشانشان می‌فهمی چه کشیده‌اند؛ به حق کیسه‌گردان‌هایی که قرن‌هاست نشان عزای شما را با پول مردم، سرپا نگه می‌دارند؛

و به برائت از آن‌ها که گاه و بی‌گاه و به بهانه‌ی واهی، به هیأت و پرچم عزای خاندان شما حمله می‌کنند تا به خیال خامشان مردم را از پای پرچم هدایت شما پراکنده کنند؛ چرا که این پرچم یک تنه جلوی ظلم و فسادشان ایستاده است؛ و به برائت از فتنه‌گران عاشورا که با آل زیاد و آل مروان لهله کردند؛

یا مولاتی، یا زهر! به حق همه اینها ما را هم «بچه هیأتی» کنید.
آمین یا رب العالمین.

۱- مرحوم قیصر امین پور

از غدیر که سرازیر می‌شویم به سمت صفر و روزهای واپسین آن، از خاور مرزهای مسلمین در اندونزی و چین و مالزی تا باختر آن در شمال آفریقا، کم کم از نو شکوفه سؤال می‌شکفت که آخر نشان‌تان به کجاست؟ حالی که شما خود نشان هستید. نشانی از هدایت و حجتی بر حجت زمان ما (عج). اگر نبود ذوب وجودتان در پای ولایت، اگر نبود حسین (ع) فرزند شما، چه بر سر ما و سبیل هدایت می‌آمد؟

ظالمان عالم، هر چه می‌شد، از شقاوت و جنایت بر سر خاندان تان آوردند و شما با شجاعت و ایستادگی تکلیف را برای تمام تاریخ روشن کردید. نه یکبار، که بارها این راه را تا به آخر رفتید. یکی با سر بریده، دیگری بدون دست و امام مظلوممان در غربت نخلستان‌ها. یکی چون شمع در کربلا آب شد، یکی در شام و یکی... آه! هنوز نمی‌دانیم دقیقا به کجا آرمیده اید.

و در این قرن‌ها روضه شما، شیعه مظلوم را نشان بود؛ تا چراغی باشد در ظلمت تاریخ. شما زهرای روشنی هستید برای حق طلبان و نشانی بی‌بدیل تا ره گم نکنیم. تا خصم نابکار ما را نترساند. که «اگر داغ دل بود ما دیده ایم» [۱]. آخر، از کربلا که فجع‌تر نمی‌شود آفرید!

نشان شما نزد «برونسی» هاست. و هشت سال پایمردی ملتی که شما و فرزندان تان، تکلیفشان را روشن کرده بودید. این جوشش خون حسین (ع) و ندای غریبانه شما از مأذنه «هیأت» است که ایرانمان را از شر صدام‌ها و شیاطین بزرگ و کوچک حفظ می‌کند. در این قرن‌ها و در کنج غربت و جور طواغیت ما «هیأت» را حفظ نکردیم، این «هیأت» بود که ما را حفظ کرد. ای مادر حسین (ع)! به حق گریه‌کنان و سینه‌زنان عزای پسر تان؛ به حق دستانی که ابالفصلی بالا می‌آید و حیدری بر سینه سوخته می‌خورد تا فقط بگویند: «یا لیتنی کنت معک»؛ به حق روضه‌های محقر و عظیمی که نوجوانان در تکیه‌های سرد زمستانی و گرم حسینی گرفتند؛ همان‌ها که بیشتر دوستشان دارند... به حق علمکش‌های لوتی مسلکمان؛ به حق آن‌ها که در داغ فرزندان و عزیزان خود شکسته اما سنگین جلوی در می‌ایستند که «مرد گریه نمی‌کند»؛ ولی در ظهر عاشورا با موی سپید و سبیل کلفت به سان مادران جوان مرده، بلند بلند گریه می‌کنند تا نشان دهند اتفاقاً

اقتصاد احمدی نژاد هم لیبرالیستی بود

علیرضا مهری

چند دولت‌ها مختلفی با شعارهای متفاوتی روی کار آمده باشند.

این تصور در سطح عوام وجود دارد که استقلال به معنای بسته بودن درهای کشور است و نمونه‌ی این نوع اقتصاد را کره شمالی می‌دانند. اما باید دانست اصل ارتباط و مبادله با کشورهای دیگر باعث وابستگی نمی‌شود. زمانی ارتباط اقتصاد باعث بروز وابستگی می‌شود که مبادلات دارای چنان اهمیتی باشند که باعث سوء استفاده‌ی طرف مقابل شود. در واقع استقلال اقتصادی در برابر وابستگی اقتصادی قرار می‌گیرد. برای روشن تر شدن بحث می‌توان به یک نمونه در اقتصاد ایران اشاره کرد.

در سال‌های گذشته قیمت مرغ و تخم مرغ در بازه‌ی زمانی به شدت افزایش یافت. اهمیت این دو کالا در سبد غذایی مردم باعث شد، گرانی این دو کالا تا سطح بحران اجتماعی هم پیش رود. یکی از دلایل اصلی این اتفاق بروز مشکل در واردات نهاده‌های دامی بود. وارداتی که در انحصار چند شرکت خاص بود. مسئله حیاتی قوت روزانه‌ی مردم به تصمیمات چند فرد خاص گره خورده بود. این نمونه وابستگی است که در شرایط حساس می‌توان باعث دادن امتیاز هم شود. نمونه اش در داستان گاز ترکمنستان که در شرایط حساس باعث بروز مشکلات بسیاری شده است. در فصل سرما که مصرف کنندگان بیشترین احتیاج به گاز دارند صادرکننده‌ی خارجی تهدید به قطع گاز می‌کند. با

این تهدید بر روی رقم قرارداد اعمال نظر دوباره می‌کند. این وابستگی کار را به جایی می‌رساند که کشوری در وضعیت ترکمنستان زور می‌گوید.

امروز خودکفایی در کالای اساسی و ضروری مردم از جمله اصول پذیرفته شده در ادبیات اقتصادی جهان است. مبادله در کالاهایی که غیرضروری است قابل قبول است اما نمی‌توان تهیه‌ی کالای اساسی جامعه را به قواعد تجاری سپرد. آمریکا به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی نظامی هم به فکر خودکفایی در تامین نیازهای اساسی خود است. هر چند خطراتی

استقلال به معنای عام و استقلال اقتصادی به معنای خاص یکی از مطالبات اصلی مردم در جریان انقلاب بود. رصد عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب نشان می‌دهد که این مطالبه‌ی عمومی مورد اقبال قرار نگرفت. هر چند تا سال‌ها بعد از پیروزی انقلاب به عنوان یک شعار بازگو می‌شد اما اعتقاد جدی در سیستم اداری کشور دیده نمی‌شد. در کنار عدم اقبال دولت‌ها، لحاظ نکردن در برنامه‌های توسعه و همچنین حاکم شدن جریان‌ی با اندیشه‌های وارداتی اقتصادی نشان می‌دهد این آرمان در سطح مسئولین به فراموشی سپرده شده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این مطالبه توسط مردم پیگیری شده است؟

جریان‌های سیاسی کشور همچون دولت‌ها توجه جدی به این مقوله نشان ندادند. یکی از دلایل این بی‌توجهی درگیر بودن جریان‌های سیاسی کشور به مسائل دسته چندم بوده است. دعواهای مرسوم چپ و راست و اصولگرا و اصلاح طلب که در اکثر موارد انتزاعی و بی‌مورد است. حتی در دوره ای که به اسم جهانی سازی همگی سنگینی به استقلال وارد شد، دفاع قابل توجهی از استقلال در فضای کشور مشاهده نشد و جریانی به بازتولید این مفهوم نپرداخت.

هر چند در دوره‌های مختلف جریان محافظه کار، شعار اقتصاد بدون نفت را مطرح می‌کرد ولی هیچ‌گاه برنامه‌ی جدی برای تحقق آن پیشنهاد نداد. امروز به واسطه‌ی تحریم اقتصادی، واقعیت اقتصاد ایران روشن شده است. با اعمال تحریم اقتصادی و کاهش فروش نفت فشار زیادی به اقتصاد ایران وارد شد در عوض کورسوی امیدی برای تحقق اقتصاد بدون نفت ایجاد شد. در کوتاه‌ترین زمان ممکن جریان محافظه کار همچون گذشته ترجیح داد که اقتصاد بدون نفت صرفاً به عنوان یک شعار مطرح شود. تلاش‌های شتاب زده در عرصه‌ی سیاست خارجی هم ناشی از همین طرز فکر است. چون حقیقتاً به این اصل که اقتصاد را بدون نفت نمی‌توانیم اداره کنیم معتقدند. این طرز فکر مولود اندیشه‌های وارداتی اقتصادی است که متأسفانه سال‌هاست بر اقتصاد ایران حکم فرماست هر



گاهی احساس می‌کردم که فاطمه اصلاً دل ندارد. وقتی می‌دیدم به هیچ چیز دل نمی‌بندد، با هیچ تعلق‌ی زمین‌گیر نمی‌شود، هیچ جاذبه‌ای او را مشغول نمی‌کند. هیچ زیور و زینت و خوراک و پوشاکی دلخوشی‌اش نمی‌شود، هر داشتن و نداشتن تفاوتی در او ایجاد نمی‌کند، یقین می‌کردم که او جسم ندارد، متعلق به اینجا نیست. روح محض است، جان خالص است. گاهی احساس می‌کردم که فاطمه دلی دارد که هیچ مردی ندارد. استوار چون کوه، با صلابت چون صخره، تزلزل ناپذیر چون ستون‌های محکم و نامرئی آسمان. یکه و تنها در مقابل یک حکومت ایستاد و دلش از جا تکان نخورد، من مأمور به سکوت بودم و حرفهای دل مرا هم او می‌زد. چند سال مگر از جاهلیت می‌گذرد؟ جاهلیتی که در آن شتر مقام داشت و زن ارزش نداشت. جاهلیتی که در آن دختر، ننگ بود و اسب، افتخار. زنی در مقابل قومی با این تفکر و بینش بایستد و یکه و تنها از حقیقت دفاع کند! این دل اگر از جنس کوه و صخره و فولاد باشد. آب می‌شود، گاهی احساس می‌کردم که فاطمه دلی از گلبزرگ دارد، نرم‌تر از حریر، شفاف‌تر از بلور. و حیرت می‌کردم که چقدر یک دل می‌تواند نازک باشد، چقدر یک انسان می‌تواند مهربان باشد. غریب بود خدا! غریب بود! من گاهی از دل او راه به عطف تو می‌بردم.

ملت ایران باید خود را قوی کند. اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور میگویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج میگیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت میکنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت. **مقام معظم رهبری در حرم رضوی ۹۳/۱/۱**

(ادامه ی مطلب اقتصادی) از جنس تحریم آمریکا را تهدید نمی کند ، در گندم خودکفا است و برای خودکفایی انرژی تلاش بسیاری می کند.

وابستگی اقتصادی همواره مذموم بوده است و به حکم عقل باید از نظر اقتصادی مستقل بود تا بتوان از نظر سیاسی و فرهنگی هم به سمت استقلال حرکت کرد. تاریخ نشان می دهد که ریشه‌ی

دخالت‌های ابرقدرت‌ها در امور کشورهای دیگر، وابستگی اقتصادی است. حجم بالای مبادلات اقتصادی تعارضی با اصل استقلال اقتصادی ندارد. همین نگاه باعث شد که استقلال اقتصادی و خودکفایی در قانون اساسی گنجانده شود. هرچند دولت‌ها توجهی به قانون اساسی ندارند و همین بی توجهی است که باعث مدیریت زیگرگی در اقتصاد شده است.

قطعا کشور ما با این حجم از مبادلات اقتصادی هیچ گاه مصداق کشوری با درهای بسته نبوده است و در دوره ای که سخت‌ترین

تحریم‌های تاریخ هم بر ما تحمیل شد خلل اساسی در مبادله‌ی بسیاری از کالاها ایجاد نشد. پس این گزاره که اقتصاد به سمت بسته شدن پیش رفته است و نهایتا به کره شمالی می رسیم اساسا اشتباه است.

از طرف دیگر عدم توجه به تولید ملی و گسترش تجارت و ورود سرمایه گذار خارجی یکی از راهبردهایی است که در اقتصاد جنوب شرق آسیا اجرایی شده است. تجربه‌ی کشورهای جنوب شرق آسیا

همچون سنگاپور نشان می دهد که این ساختار اقتصادی به شدت متاثر از اقتصاد کشورهای دیگر است. در صورت تلاطم در بازار کشورهای دیگر و بازار جهانی به شدت به اقتصاد کشور آسیب وارد می شود و حتی تا مرز ورشکستگی پیش می رود. قطعا مقاوم بودن اقتصاد یکی از شاخصه‌های اقتصاد ایران باید باشد. بعد از بحران اخیر اقتصادی به خوبی لزوم توجه به ساختارهای اقتصادی از منظر تأثیرپذیری از بازارهای جهانی لمس شد.

نمونه‌ی این مقاوم سازی را می توان در سامانه ملی مالی روسیه دانست که به تازگی در روسیه مطرح شده است. با توجه به تأثیرات عوامل بیرونی بر اقتصاد روز به روز توجه به مقاوم کردن اقتصاد در کشورهای جهان بیشتر می شود.

امروز که همه گان بر ضعف اساسی اقتصاد ایران اذعان دارند باید به فکر بازسازی و تقویت اقتصاد بود. تقویتی که ریشه‌ی آن در تصمیم گیری‌های بلند مدت و اجتناب از تصمیمات

مقطعی است. امید است بازگشت به اقتصاد قانون اساسی و اصولی همچون استقلال اقتصادی زمینه‌ی پیشرفت روز افزون و واقعی اقتصاد را فراهم آورد. در عدم تلاش جدی در عرصه‌ی استقلال اقتصادی همان قدر که مدیران اقتصادی دولت سازندگی مقصر بودند، تیم اقتصادی احمدی نژاد هم مقصر بود. هر چند تعارض سیاسی در این سطح بین این دو رئیس جمهور وجود داشته اما می توان نسخه‌ی اجرا شده توسط این دو دولت را مشابه دانست.

مصر

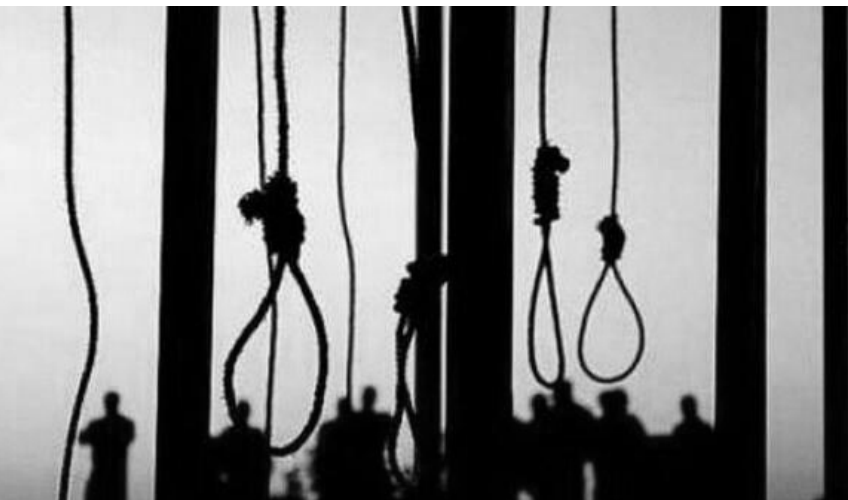
امیر رضاعلی

این روزها انتخابات ریاست جمهوری مصر و کاندیداتوری ژنرال السیسی اصلی‌ترین مسئله‌ی مردم مصر است اما یکی از دادگاه‌های مصر با صدور یک حکم همه را غافل گیر کرد. اولین جلسه‌ی محاکمه‌ی دسته جمعی ۵۲۹ نفر از اعضای اخوان المسلمین توسط شورای دادگاه جنایی المنیا در جنوب قاهره به ریاست سعید یوسف برگزار شد. این شورا جلسه را در کمال شتابزدگی یک هفته جلوتر برگزار کرد و در نهایت طی اقدامی عجیب همه ۵۲۹ متهم را به اعدام محکوم کرد. از جمله اتهامات اصلی این افراد قتل یکی از نیروهای پلیس، برپایی آشوب، حمله به نیروهای امنیتی و حمل سلاح بوده است. این اتهامات بارها و بارها توسط سران اخوان المسلمین رد شده است و اخوانی‌ها این حرکات را توطئه‌ی سرویس‌های اطلاعاتی مصر برای سرکوب و نابودی اخوان قلمداد می‌کنند. محمد البدیع (مرشد عام اخوان) و سعید الکتانی (رئیس سابق مجلس مصر) نیز در میان محکومان به اعدام دیده می‌شوند. البته این حکم برای اجرا باید از سوی مفتی اعظم مصر تأیید شود.

حکمی که یکی از بی سابقه‌ترین حکم‌های اعدام در قرن بیست و یکم است درحالی صادر شده است که ۳۹۷ تن از محکومان به صورت غیابی محاکمه شده اند به طوری که باعث تعجب؛ تحیر و همچنین نگرانی اتحادیه اروپا و کاخ سفید در روابط خود با مصر گردیده است.

ارتش مصر در آگوست گذشته با سرکوب معترضان در میادین النهضة و رابعه العدویة ، به خوبی به همه نشان داد که برای دست یافتن به اهداف خود، حاضر به کشتار وسیع خیابانی است. حتی اگر آمار سه هزار نفری اخوان المسلمین از تعداد کشته‌ها اغراق آمیز باشد، طبق آمار دولتی حدود ۷۰۰ کشته نتیجه اقدام ارتش و نیروهای امنیتی مصر در سرکوب مخالفان خود است.

این حکم اعدام در شرایطی صادر شده است که «اخوان المسلمین» یکی از مهم‌ترین موارد اختلافی در شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود. قطر و عربستان اگرچه بر سر پرونده سوریه نیز با یکدیگر اختلافاتی دارند اما اصلی‌ترین عامل تنش زا میان آنان حمایت قطر از اخوان و دشمنی آشکار عربستان با این گروه است.



قطر که اکنون به عنوان یک عضو ناهمسو با عربستان، بحرین و امارات شناخته می‌شود ممکن است در آینده نزدیک حتی از این شورا اخراج شود. از سوی دیگر عربستان برای عضویت مصر در این شورا تلاش بسیار می‌کند. بر این اساس اگرچه مفتی اعظم مصر بعید است که حکم اعدام ۵۲۹ عضو اخوان را امضا کند اما این حکم اعدام که از ناحیه دستگاه قضا و در آستانه‌ی انتخابات صادر شده می‌تواند چراغ سبزی دیگر در هم نوایی مصر با عربستان در برخورد با اخوان المسلمین و مخالفت با قطر محسوب شود و اثرات منطقه‌ای مثبتی برای عربستان در نبرد سیاسی داشته باشد.

ترکیه

حمید مهاجرانی

رجب اردوغان ، نخست وزیر ترکیه که سال‌های زیادی در مسند قدرت ترکیه قرار گرفته و در این سال‌ها توانسته که اقتصاد مناسب و پایداری برای مردم ترکیه رقم بزند، اکنون با مشکلاتی روبرو است که ادامه‌ی قدرت او را تهدید می‌کند. او که در سال‌ها حمایت همه جانبه‌ی حزب عدالت و توسعه‌ی، یکی از پرطرفدارترین احزاب ترکیه را در دست داشت، پس از سرکوب گزی با مشکلاتی روبرو شد. سرکوب گزی در سال ۲۰۱۳ که با اعتراض جنبش‌های محیط زیستی به از بین بردن پارکی در استانبول شروع شد پس از درگیری پلیس با این افراد به تظاهراتی بزرگتر و وسیع‌تر، این بار نه اعتراض به قطع درختان، بلکه اعتراضی اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. در این تظاهرات تقریبا تمام گروه‌ها و احزاب شرکت کردند و بیشتر از این که درخواست واحدی داشته باشند یک واکنش به بدنه‌ی کلی حکومت داشتند. اردوغان این تظاهرات‌ها را سازماندهی شده و از سوی کشورهای خارجی دانست. در پی این سرکوب گزی‌ها، عبد... گولن که طرفداران اسلام گرای زیادی در ترکیه دارد، حمایت خود



را از حزب عدالت و توسعه برداشت. گولن به نوعی در به قدرت رسیدن اردوغان نقش داشت و با حمایت و نقش موثرش توانسته بود بدنه‌ی قضایی و آموزشی خوبی در ترکیه برای خود دست و پا کند. در پی این اتفاق برخی از حامیان گولن در حزب استعفا دادند و دادستان ترکیه که از هواداران او بود، دست به رسوایی مالی علیه بدنه‌ی دولت و خانواده‌های آنان زد. این اتفاقات و موج ناراضیتی مردم از سرکوب‌ها باعث شد تا اسلام گرایان ترکیه که تا آن زمان طرفدار پروپاقرص حزب عدالت و توسعه بودند دو دسته شوند و راه بر پیروزی حزب در انتخابات محلی و همچنین در به قدرت رسیدن مجدد اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری (که قرار است برای اولین بار به صورت مستقیم با رای مردم صورت بگیرد) دشوار کرد.

اردوغان که سال‌های قبل با اعمال محدودیت، راه را بر توسعه‌ی سیاسی کشور خود بسته بود، اکنون می‌خواهد با اعطای آزادی‌های اجتماعی بیشتر به مردم و گروه‌های مختلف، طرفداران جدیدی را برای خود جمع کند و با مدل قوی‌تر از اسلام لیبرالی، محبوبیت خود را افزایش دهد که این نیز ناراضیتی گروهی از مسلمانان و حتی گروه‌های دیگر همچون فمینیست‌ها را در پی داشته است. (مثلا در بحث برداشتن منع حجاب، گروه‌های فمینیستی به این مساله اعتراض شدیدی داشتند و یا در آزادی روابط جنسی، مخالفانی از مسلمانان داشته است.)

البته شخص اردوغان که رئیس حزب عدالت و توسعه است هنوز هم به علت رشد و پایداری اقتصاد ترکیه هواداران زیادی دارد اما تعارض‌هایی حل نشدنی در سایر بخش‌ها از جمله سیاست داخلی و خارجی، اعتماد حداکثری مردم به خودش را کاسته است. برای مثال در سیاست خارجه، اردوغان که به پشتوانه‌ی آمریکا برای جنگ با سوریه خود را درگیر اقدامات نظامی و تسلیحاتی در سوریه کرد، تا حدی از اعتماد مردمش به خود کاست.

اگرچه پیروزی مجدد اردوغان و حزیش در انتخابات محلی (هفته‌ی گذشته) که در آن شهردار شهرهای مختلف مشخص شدند نشان از برتری نسبی او در بین مردم دارد اما کاهش تعداد افراد پیروز حزب نسبت به دوره‌ی گذشته می‌تواند هر معادله‌ای را در انتخابات ریاست جمهوری بر هم زند. باید صبر کرد و دید آیا احزاب و گروه‌های دیگر تحت رهبری گولن که هم اکنون در تبعید به سر می‌برد می‌توانند با اجماع به قدرت برسند یا خیر. هر چند عوامل متعدد و گوناگون دیگری (از جمله گروه‌های کرد، ملی گرایان و اقلیت‌های دیگر) می‌توانند تأثیری جدی در آینده‌ی ترکیه داشته باشند.